



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

گروه حقوق اقتصادی

عنوان:

رابطه حقوق مالکیت و توسعه اقتصادی از منظر نهادگرایان

استاد راهنما: جناب آقای دکتر وحید

استاد مشاور: جناب آقای دکتر جورابراهیمیان

نگارش: پیمان شهبازی

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۴

کتابخانه اساتید دانشکده حقوق
تهیه شد

پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد

۱۴۳۰۸۵

چکیده:

در هر اقتصاد، تعداد بی‌شماری تصمیم اقتصادی در هر دوره اتخاذ می‌شود. هر تصمیم اقتصادی، شامل چندین مبادله است و مبادله نیز عبارت از دادوستد بسته‌هایی از حقوق مالکیت است. حقوق مالکیت در واقع یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم علم اقتصاد می‌باشد. نهادگرایان این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهند که این حقوق پایه‌های همه مبادلات بازار را شکل می‌دهند و علاوه بر این چگونگی ترتیبات حقوق مالکیت جامعه به دلیل اثرشان بر انگیزه‌ها، سرمایه‌گذاری، تجارت، کارآیی استفاده از منابع و توزیع درآمد اقتصادها را تعیین می‌کند. به عبارت دقیق‌تر حقوق مالکیت نهادی است که می‌تواند توسعه نیافتگی مزمن برخی اقتصادها را توضیح دهد. به نظر می‌رسد ره آوردهای اقتصاد نهادگرا و رویکرد حقوق مالکیت از قدرت تحلیل قابل توجهی جهت تحلیل و حل مشکلات اقتصاد ایران باشد.

کلید واژه‌ها: نهادگرایی، حقوق مالکیت، توسعه اقتصادی، هزینه اجتماعی و هزینه معاملاتی

فهرست مطالب

۳	کلیات تحقیق.....
۱۳	فصل اول: رویکرد نهادی به تحلیل های اقتصادی.....
۱۴	۱- مقدمه.....
۱۴	۲- نهاد.....
۱۹	۳- اقتصاد نهاد گرای قدیم.....
۲۳	۴- اقتصاد نهاد گرای جدید.....
۲۶	۵- تحلیل ویلیامسون از سطوح تحلیل اجتماعی.....
۳۳	۶- تحلیل نهادی از دیدگاه نورث.....
۳۵	۶-۱- تعریف محدودیت های غیررسمی.....
۳۵	۶-۲- تعریف محدودیت های رسمی.....
۳۶	۶-۳- نهاد و سازمان.....
۳۸	۶-۴- فرضیات رفتاری در تحلیل نهاد.....
۳۹	۶-۴-۱- انگیزش.....
۴۰	۶-۴-۲- رمزگشائی محیط.....
۴۳	فصل دوم: نظریه و حقوق مالکیت.....
۴۴	۱- مقدمه.....
۴۴	۲- تعریف حقوق مالکیت.....
۴۷	۳- پیدایش حقوق مالکیت.....
۵۰	۴- خصوصیات مالکیت.....
۵۲	۵- حقوق مالکیت و دولت.....
۵۸	۵-۱- مرحله اول: دولت به عنوان پیشران نخست.....
۵۸	۵-۱-۱- دهه ۱۹۵۰.....
۵۹	۵-۱-۲- دهه ۱۹۶۰.....
۶۰	۵-۱-۳- دهه ۱۹۷۰.....
۶۱	۵-۲- مرحله دوم (دولت پلید).....

۶۱ ۱-۲-۵ دهه ۱۹۸۰
۶۲ ۱-۲-۵ نیمه اول دهه ۱۹۹۰
۶۳ ۳-۵ مرحله سوم: نوسازی دولت (نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد)
۶۳ ۱-۳-۵ بازآفرینی دولت
۶۴ ۲-۳-۵ احیای دولت
۶۴ ۴-۵ حکمرانی خوب
۶۵ ۶ رابطه حقوق مالکیت و متغیرهای کلان اقتصاد
۷۳ فصل سوم: حقوق مالکیت و هزینه مبادله
۷۴ ۱-مقدمه
۷۷ ۲-هزینه ی خارجی و کاستی بازار
۷۹ ۳-راه حل پیگو
۸۱ ۴-راه حل کوز
۸۲ ۱-۴-۱ مثال دامدار و کشاورز
۹۱ ۴-۲-۱ مثال جرقه راه آهن و زمینهای کشاورزی مجاور
۹۷ فصل چهارم: ارزیابی اقتصاد ایران از منظر نظریه حقوق مالکیت
۹۸ ۱-مقدمه
۹۹ ۲-تاریخ حقوق مالکیت در ایران
۹۹ ۲-۱-قبل از اسلام
۱۰۱ ۲-۲ بعد از اسلام تا عصر صفوی
۱۱۶ ۳-سیستم ارث بری اسلامی
۱۲۰ ۴-نهاد دولت و خصوصی سازی در ایران
۱۲۶ ۵-محاسبه تعریف و اجرای حقوق مالکیت
۱۳۳ نتیجه گیری
۱۳۶ منابع
۱۳۶ الف: فارسی
۱۴۰ ب: لاتین

کلیات تحقیق

امروزه مسائل اقتصادی در عرصه وسیع نظام اجتماعی و به صورت ارتباط متقابل عوامل اقتصادی و عوامل غیر اقتصادی (مثل عوامل نهادی) مورد بررسی قرار می گیرد. بدین ترتیب می توان گفت دیوار بلند میان اقتصاد و سایر علوم اجتماعی فرو ریخته است. بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که افزایش میزان تولید ملی و ارتقای سطح زندگی مردم و ... به همان اندازه که تابع متغیرهای اقتصادی چون پس انداز، سرمایه گذاری، نرخ ارز و ... است، تحت تاثیر ارزش، باورها، انگیزه ها و در کل نهادها نیز می باشند. بدین لحاظ اغلب تئوری های اخیر توسعه و رشد نیز بر اهمیت چهارچوب نهادی د توضیح سیاست های توسعه و رشد تاکید می ورزند. در این میان ساختار حقوق مالکیت خصوصا از اهمیت اساسی تری برخوردار است. شکل گیری و تکامل حقوق مالکیت در جوامع مختلف با منافع و هزینه های تخصیص و تثبیت آن ارتباط دارد. تغییرات اقتصادی، هزینه ها و منافع جدیدی را به وجود می آورد که منجر به تحول ترتیبات حقوقی موجود می شود. چنانچه این تحول به گونه ای باشد که منافع خالص تغییرات اقتصادی را تامین نسازد، تخصیص کارای منابع محقق نشده و حرکت مربوطه در مسیر رشد و توسعه سد می شود. علاوه بر این عملکرد اقتصادی (رشد) در هر نظام اقتصادی توأم با هزینه معاملاتی است. بنابر این چارچوب حقوق مالکیت حاکم بر معاملات می تواند از طریق متاثر ساختن هزینه های معاملاتی نتیجه تخصیص منابع را تحت تاثیر قرار می گیرد. بسته به اینکه این چارچوب چه و چگونه باشد، نتیجه تخصیص منابع می تواند کارا یا ناکارا باشد.

بر این اساس و از آنجا که بررسی تاثیر حقوق مالکیت بر رشد اقتصادی ایران، در چارچوب اقتصاد نهاد گرا، هدف اصلی پایان نامه حاضر است لذا در این فصل می کوشیم تا زمینه و چارچوبی بسازیم تا رویکردی خاص را در طول پایان نامه دنبال کنیم. بدین منظور در این فصل ابتدا به اهمیت، اهداف و ضرورت موضوع می پردازیم و

سپس بررسی ادبیات موضوع، پژوهش های انجام شده، سوالات و فرضیه تحقیق را پوشش می دهیم و سرانجام، به سازمان دهی و روش تحقیق اشرای می کنیم.

۲- طرح مساله، اهمیت، ضرورت و اهداف آن

پس از نیم قرن تجربه نظری و عملی در زمینه رشد بر پایه رویکرد های ارتدکسی، اقتصاد ایران اکنون با واقعیتی تلخ روبرو شده است. این واقعیت حکایت از آن دارد که روی هم رفته شکاف عقب ماندگی ایران در حال وسیع تر شدن است. با وجودی که برخی مطالعات نوعی بهبود نسبی برای سال های ۷۹ تا ۸۳ را نشان می دهد، مطالعات دیگری نشان می دهد که این شکاف بدنبال اجرای سیاست های تعدیل ساختاری عمیق تر شده است.^۱ به نظر میرسد ناکامی این تجربه رشد در ایران به طور عمده ناشی از غفلت این رویکرد نسبت به محیط و تاریخ جامعه ایران است. این غفلت سبب عدم درک نهاد ها و پیشنیازهای ضروری برای رشد و توسعه و در نتیجه ناکامی فرایند رشد و توسعه کشور گردیده است.

برداشت های ارتدکسی از رشد و عقب ماندگی تنها متکی به توسعه عوامل تولید می باشد و به کنش متقابل انسانها و حقوق ایشان در جریان تولید و مبادله یعنی روابط و ساختار حقوق مالکیت و توزیع آن و سایر عناصر نهادی توجهی ندارند. نظریه نئو کلاسیک رشد با فرض کارایی بازار و ثبات چارچوب نهادی جامعه، عوامل اصلی رشد اقتصادی را در عواملی چون سرمایه انسانی و فیزیکی و پیشرفتهای تکنولوژیکی و در مواردی سرمایه های مالی جستجو می کنند.^۲ ریشه این برداشت ها ناشی از نوعی فهم از انسان است. از دید نئو کلاسیک، انسان

^۱ رک: فریبرز رییس دانا، اندازه گیری شکاف عقب ماندگی در دو دهه جهانی سازی، اقتصاد سیاسی، سال اول، شماره

سوم (پاییز، ۱۳۸۲)، صص ۱۲۷-۱۴۶

^۲ با این حال واقعیت چیز دیگری را نشان می دهد. کشورهایی که نقدینگی بالای مالی و منابع گسترده ای در اختیار دارند (از قبیل ونزوئلا و اکوادور) و یا کشورهایی که سطح آموزش بالایی دارند (نظیر کاستاریکا، آرژانتین اورگوئه) قادر نبودند سطح

سکه ای دو رو است: موجودی با رفتاری عقلانی و منطقی و حداکثر کننده نفع شخصی کوتاه مدت. این در حالی است که نقش سرمایه های انسانی و اجتماعی در تحولات اقتصادی بسیار ریشه دارتر و فراگیرتر از یک انسان مکانیکی، فیزیکی و ریاضی است.

در حقیقت نظریه نئو کلاسیک با مبنا قرار دادن عقلانیت اقتصادی محض (عقلانیت ابزاری) در تحلیل ابزار انسان، قابل به این است که در اقتصاد هر جامعه، افراد زیادی عوامل تولید را عرضه می کنند و در مقابل درآمد آن عوامل را مطابق ارزش تولید نهائی شان دریافت می دارند و جریان درآمد عوامل تولید نیز بخاطر پیش فرض وجود امنیت کامل حقوق مالکیت همواره کاملاً تضمین شده می باشد. نکته در اینجاست که نئو کلاسیک ها همین تحلیل را که از شرایط جوامع خاصی استخراج کرده اند، به عنوان خصلت های عام و غالب به همه انسانها و جوامع تعمیم می دهند. و این موضوع که شرایط محدود کننده ی مرتبط با این عوامل کدامند و یا چه شرایطی برای انباشت سرمایه (فیزیکی و انسانی) و پیشرفتهای فن شناختی در هر کشور لازم است را کنار می گذارند.

یکی از رویکردهای رقیب اقتصاد ارتدکسی، اقتصاد نهادگراست. رویکرد نهادگرایانه هر چند برخی فرض نئو کلاسیک را همراه دارند اما بر اثر نهادها و کنش متقابل انسانها در جریان تولید و مبادله تاکید می کنند و عوامل نهائی رشد (عملکرد) اقتصادها را در چارچوب نهادی و تغییرات آن می یابند. از این جهت ویژگی اصلی اقتصاد نهاد گرا در ارتباط با الگوی رشد این است که ما را به تقلید از هیچ الگوی از پیش طراحی شده ای وادار نمی کند. بلکه ما را به شناخت نهادها و مشاهده واقیعت های اقتصادی هر کشور رهنمون می سازد. از این رو به نظر میرسد مکتب نهادگرایی به دلیل نگرش به محیط و شرایط موجود در کشورهای جهان سوم و از طریق تاکید

توسعه بالائی را ایجاد کنند. آنها هنوز از ۲۵ درصد تا ۵۰ درصد میزان فقر رنج میبرند و بین ۱۵ تا ۴۰ درصد بیکاری دارند. ر ک:

Itali Sened, "The Distribution of and Access to Property Rights in Developing Countries", (2003)

.available at:

www.cniss.wastl.edu/workshopepapers/senednorthpaper.

برشناخت نهادها و تاریخ این جوامع از ظرفیت کافی برای اینکه به عنوان یک نظریه رشد جایگزین، در نظر گرفته شود، برخوردار است.

همانطور که گفته شد، اقتصاد ارتدوکس، عقلانیت ابزاری را فرض و پایه اصلی تحلیلهای خود قرار داده است. عقلانیتی که تنها بر یک مفهوم انتزاعی از عقل مبتنی است. این نگاه انتزاعی پیشین به عقل و جداکردن آن از محیط و کنشهای متقابل اجتماعی و محدود کردن آن به قلمروهای صرف اقتصادی یکپاز مهمترین نقایص و اساسی ترین دلایل ناکامی این رویکرد به شمار می‌رود چرا که فرایند تصمیم‌گیری انسانهای عقلانی تحت تاثیر شرایط اجتماعی و نهادی و حقوقی صورت می‌گیرد نه در غیاب آنها. اقتصاد ارتدوکس برای جوامع انسانی هویت خاصی قایل نیستند و آنها را همچون توده‌هایی از سنگهای انباشته شده در نظر می‌گیرند در حالی که جوامع بشری ساختارمنداند. این جوامع بیشتر به یک بنا شبیه‌اند تا به توده‌هایی از سنگ‌ها و نهادها به معنی اخص کلمه.^۱ کلمه^۱ یکی از ویژگیهای جامعه بشری که در فرایند تصمیم‌سازی افراد هر جامعه نقش زیادی ایفا می‌کنند و اقتصاد ارتدوکس به کلی از آن غفلت کرده است، تاریخ هر کشور است. چنانکه نورث می‌گوید تاریخ بسیار مهم است: «اهمیت تاریخ صرفاً به این دلیل نیست که می‌توانیم از گذشته بیاموزیم بلکه به این دلیل است که حال و آینده به واسطه نهادهای یک جامعه با گذشته پیوند دارند. گذشته، انتخابهای امروز و فردا را شکل می‌دهد.^۲ اقتصاد دانان نهادگرا بر اساس نگرش تاریخی به دسترسی بر اهمیت نهادهای اجتماعی و نقش آنها در رفتار اقتصادی افراد و عملکرد اقتصادی (رشد) یک جامعه تاکید می‌ورزند. نورث درباره اهمیت نهادها می‌گوید:» نهادها با در اختیار داشتن ساختارهایی برای زندگی روزمره عدم اطمینان را کاهش می‌دهند. نهادها راهنمای

^۱ موریس دورژه، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲)، ص ۱۱۷

^۲ داگلاس نورث، نهادها و تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمد رضا معینی (تهران، موسسه انتشارات مدارک علمی سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷)، ص ۲۰.

کنش متقابل انسانها هستند»^۱ نهادها با ارائه یک ساختار برای مجموعه انتخابهای افراد، عدم اطمینان در فرایندهای تصمیم سازی را به میزان زیادی کاهش می دهند. بنابراین با توجه به جایگاه نهادها در فرایند تصمیم گیری انسانها هر گونه کوشش برای شناخت و تحلیل پدیده های اجتماعی بدون در نظر گرفتن نهادهای مربوط، همانند تحلیل یک مسابقه ورزشی بدون اطلاع و در نظر گرفتن قواعد بازی در آن مسابقه است. همانگونه که میردال می گوید: « بدون تحلیل چارچوب نهادی و مکانیسم هائی که عملکرد کشورها را تنظیم می کند، هم اعوجاج در تحقیق پدید خواهد آمد و هم اشتباه در برنامه ریزی»^۲.

یکی از نهادهائی که در ادبیات نهادگرایی به عنوان ضروری ترین نهاد بر ایجاد توسعه و رشد در یک کشور بر آن تاکید زیادی می شود، حقوق مالکیت و چگونگی تعریف و حفاظت از آن است. چرا که چگونگی ترتیبات حقوق مالکیت هر جامعه به عنوان ساختار جهت دهنده، مبادلات و انگیزه های تولید و تجارت را شکل می دهند. هواداران رویکرد حقوق مالکیت معتقدند اگر چه سرمایه گذاری (انسانی و فیزیکی) و پیشرفتهای فن شناختی را می توان به عنوان عوامل بی واسطه رشد به حساب آورد، اما افزایش واقعی سرمایه فیزیکی و انسانی و ... در نهایت منوط و مشروط به وجود انگیزه هائی است که خود تحت تاثیر رژیم های جاری حقوق مالکیت قرار دارند. مضمون این بیان واضح و سراسر است. مردم به میزان قابل توجه ای گرایش به این دارند که کار سخت و سرمایه گذاری را عهده دار شوند فقط اگر احتمال بدهند که از نتایج و ثمره های کوشش های خود برخوردار می شوند.^۳ به عبارت دقیقتر، رشد اقتصادی زمانی اتفاق می افتد که مردم منابع را به بهترین استفاده ها اختصاص بدهند. و این اختصاص نیز خود تابعی از چگونگی حقوق نهادها است.

^۱ همان، ص ۲۰.

^۲ گونار میردال، درآم آسیایی، ترجمه منوچهر صبوری، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶)، ص ۱۹.

^۳ Robert J. Barro, "Rule of Law, Democracy, and Economic Performance", (1999), available at: www.herietag.com/research/.

همچنین، حقوق مالکیت صرفنظر از دلایل بوجود آمدنش به مثابه یک «نهاد» برای کنشهای متقابل انسانی ساختاری با ثبات به وجود می آورد و بدین ترتیب از کاهش تعارض منافع (در شرایط کمیابی) و عدم اطمینان، رفتار اقتصادی و تخصیص منابع را متاثر می سازد. علاوه بر این، عملکرد اقتصادی هر جامعه توأم با هزینه های معاملاتی است. هزینه های معاملاتی هزینه های استفاده عوامل تولید از سازوکار بازار به منظور تحقق سودهای بالقوه ناشی از مبادله هستند.^۱ حال اگر ترتیبات حقوق مالکیت جامعه به مثابه یک نهاد به گونه ای تصریح شود که هزینه های معاملاتی کاهش یابند (به طوری که زمینه های بهره وری از سود های ناشی از مبادله بیشتر فراهم گردد)، می تواند سبب بهبود عملکرد (رشد) اقتصادی جامعه شود. بدین ترتیب اقتصاددانان نهاد گرا و بطور خاص هواداران حقوق مالکیت، به درستی بر اهمیت نهاد حقوق مالکیت و نقش آن در رفتار اقتصادی افراد یک جامعه و در نهایت تخصیص منابع اصرار می ورزند.

۳- پیشنهاد تحقیق

مباحث نهادگرایی در ایران بطور جدی با ترجمه آثار داگلاس نورث آغاز گردید. از آنجا که این رویکرد، افقهای جدیدی در خصوص عقب ماندگی اقتصادی ایران می گشود برخی محافل اقتصادی در تحلیل های خود از ادبیات نهاد گرا بهره گرفتند و نشریات اقتصادی جامعه و اقتصاد، تکاپو و چند نشریه دیگر بطور پراکنده به نهادگرایی پرداختند. آثار نورث، کوز، دمستز، ویلیامسون و استیگلیتز در نگارش این پایان نامه بطور گسترده مورد استفاده قرار گرفته اند. در ایران علاوه بر پایان نامه ای با عنوان «بررسی رابطه حقوق مالکیت و رشد اقتصادی از منظر نهادگرایی» که با راهنمایی آقای دکتر یدالله دادگر در دانشگاه مفید نگارش یافته، آثار دکتر فرشاد مومنی در زمینه نهادگرایی از حجم قابل توجهی برخوردار است. لازم به ذکر است علیرغم تشابه موضوعی و اسمی

^۱ داگلاس نورث، پیشین، ص ۲۸.

پایان نامه حاضر با پایان نامه پیش گفته تفاوت های ذیل میان آنها وجود دارد که انگیزه نگارش این پایان نامه را با همان عنوان مشابه غیر تکراری می نماید:

۱- علیرغم استفاده و بهره فراوان از پایان نامه آقای بزنگانی باید گفت که بعد از نگارش پایان نامه ایشان، آثار گسترده ای به فارسی یا لاتین در حوزه نهادگرایی بوجود آمده است که لزوم تحقیقی مجدد را با استفاده از یافته های جدید ضروری می نمود.

۲- پایان نامه حجیم آقای بزنگانی کاملاً به زبانی اقتصادی تألیف یافته و با تحلیل های خرد از اقتصاد ایران نگرشی حقوقی در آن کمرنگ می باشد.

۴- انگیزه انتخاب موضوع

تحلیل های اقتصادی از قوانین جایگاه خاصی در اقتصاد نهادگرا دارد، به عبارت دیگر حقوق اقتصادی در معنای تحلیل اقتصادی با آثار کوز که اقتصاددانی نهادگرا بوده گره خورده است. درک نوشته های کوز خود مستلزم فهم اقتصاد نهادگرا می باشد. بنابراین نقطه عزیمت ما برای شروع این پایان نامه آشنایی با تحلیل اقتصادی و بعدها اقتصاد نهادگرا و در درون آن نظریه حقوق مالکیت بوده است.

۵- سوالات تحقیق

سوالات این تحقیق به این شرح بوده اند:

۱- حقوق مالکیت بر توسعه اقتصادی چگونه تاثیر گذار است؟

۲- عقب ماندگی اقتصادی ایران با نظریه حقوق مالکیت چگونه قابل تحلیل است؟

۶- فرضیه ها

فرضیه ما در این تحقیق رابطه مثبت تعریف، تضمین و اجرای حقوق مالکیت از یک طرف و توسعه اقتصادی از طرف دیگر بوده است. همچنین توانایی این نظریه در توضیح توسعه نیافتگی ایران فرضیه‌ی دیگر ما می باشد.

۷- مشکلات تحقیق

از آنجا که تحقیق جنبه کتابخانه ای دارد، بارزترین مشکل در عدم دسترسی به منابع مختلف هویدا می باشد. نکته حائز اهمیت اینکه اگر چه هر روز بر غنای منابع فارسی در موضوعات نهادگرایی افزوده می شود ولی در خصوص این موضوع یعنی رابطه اخص حقوق مالکیت و توسعه اقتصادی تالیف، ترجمه و تحقیق به این زبان محدود می باشد. همچنین دسترسی به منابع لاتین در این زمینه مشکل بود.

۸- روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیلی و توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه ای استفاده شده است.

۹- سازماندهی تحقیق

این پایان نامه در چهار فصل تدوین گردیده است، در فصل اول کلیاتی از نهادگرایی، تاریخچه آن و تفاوت‌های نهادگرایی قدیم و نهادگرایی جدید بویژه با معرفی دو تن از اندیشمندان برجسته نهادگرا یعنی ویلیامسون و نورث بطور مختصر توضیح داده شده است. ویلیامسون بیشتر نهادها را مورد تاکید قرار می دهد در حالیکه نورث بیشتر روی تاریخ اقتصادی متمرکز می شود و فواید این هر دو نظر در تحلیل اقتصاد ایران در فصل چهارم بکار رفته است.

از آنجا که نظریه حقوق مالکیت در رویکرد نهادگرا با آنچه ما از حقوق مالکیت در رشته دانشگاهی حقوق می شناسیم متفاوت است، در فصل بعدی لازم بود مختصات این نظریه ترسیم گردد.

در فصل سوم، رابطه حقوق مالکیت و عملکرد اقتصادی با استفاده از یکی از مفاهیم بنیادین این نظریه یعنی «هزینه مبادله» توضیح داده می شود. هزینه مبادله برای اولین بار توسط رونالد کوز مطرح گردیده و امروزه نظریه وی در تحلیل اقتصادی قوانین از جایگاه ارزشمندی برخوردار است.

در این تحقیق سعی گردیده است ضمن آشنایی با مفاهیم اساسی نظریه نهادگرایی، چارچوبی جهت تحلیل رابطه حقوق مالکیت و توسعه اقتصادی فراهم آید و به این دلیل سعی شده است به مناسبت مباحث مختلف از نظرات نهادگرایان برجسته از جمله ویلیامسون، نورث، کوز و... سود برده و هر چه بیشتر بنیان رابطه حقوق مالکیت و توسعه اقتصادی روشن شود. در فصل چهارم و بررسی اقتصاد ایران از منظر حقوق مالکیت، به نهادهای ریشه دار تاریخ اقتصادی، ارث بری اسلامی، اندازه دولت و شاخص های حقوق مالکیت پرداخته می شود.

فصل اول

رویکرد نهادی به تحلیل های اقتصادی

۱- مقدمه

اقتصاد نهاد گرا معمولاً "یک پدیده فکری آمریکایی در ثلث اول قرن بیستم تلقی می شود. نهاد گرایی به عنوان یک مکتب فکری معارض و دگراندیش در برابر اقتصاد مسلط نئوکلاسیک شناخته شده است که با غفلت اقتصاد ارتدکس از محیط نهادی و تاریخ جامعه بشری ظهور کرد.^۱ اما حقیقت این است که اقتصاد نهاد گرا به لحاظ زمانی دارای یک گسست بوده و دو دوره ی مختلف را پشت سر گذاشته است. یعنی نهاد گرایان در یک دوره ای ابتدا در امریکا مستقر می شوند و در دانشگاهها تدریس می کنند و سپس رو به افول می گذرانند، و از صحنه خارج می شوند. پس از جریان شکل گیری علم اقتصاد و توسعه و نا کامی اش در تبیین علل توسعه نیافتگی و شکاف عقب ماندگی کشورهای توسعه نیافته اقتصاد نهاد گرا دگر بار احیاء می شود. بخصوص از اواخر دهه ۱۹۸۰ اقتصاد نهاد گرا توجه محافل دانشگاهی و علمی را به خود جلب می کند.

۲- نهاد

فرهنگ جامعه شناسی، نهاد را ترکیبی از قواعد و قوانین با رسوم و آیین ها می داند.^۲ فرهنگ علوم رفتاری بر نسبت نهاد اجتماعی با عمل اجتماعی تاکید داشته و آن را دسته ای از اعمال اجتماعی معرفی می کند که از سه ویژگی برخوردارند:^۳ به طور منظم و مستمر تکرار می شوند، به وسیله ضوابط و قواعد اجتماعی تجویز و حفظ می شوند و از اهمیت قابل توجهی در ساختار اجتماعی برخوردارند. دایرة المعارف علوم اجتماعی، نهاد را جنبه ای از حیات اجتماعی معرفی می کند که بر پایه ارزش، استقرار یافته باشد.^۴

۱- محمد حسین تمدن جهرمی و دیگران، رویارویی مکاتب اقتصادی، چ اول، (نشر جهاد دانشگاهی واحد تهران، ۱۳۸۳)، ص ۸۹.

۱- فرد آکرامبی و دیگران، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه پویان، چاپ اول، (انتشارات چاپخش، ۱۳۶۷).

۲. علی اکبر شعاری نژاد، فرهنگ علوم رفتاری، چ اول، (انتشارات امیر کبیر)، ۱۳۶۹، ص. ۱۹۰.

۳. باقر ساروخانی، دایرة المعارف علوم اجتماعی، چ اول، (انتشارات کیهان، ۱۳۷۰)، ص ۱۰۵.

در یک تعریف کلی نهاد مشتمل بر باور ها، رفتار ها (خواه عقلانی یا غیر عقلانی)، سنتها، ضوابط و مقررات حقوقی اند که پیرامون یک هسته اصلی، مجموعه هماهنگی را شکل می دهند. در هر نهاد دو جزء قابل تفکیک است: «ساخت»، یعنی شکل مشخص و معنی که یک نهاد در یک جامعه معین دارد و «کنش» یا کنش های آن، یعنی نقشی که به عهده دارد و ارزشهایی که می آفریند^۱، اقتصاد دانان نهادگرای جدید درباره اینکه اقتصاد نئو کلاسیک منکر اهمیت نهادهاست و از آنها اجتناب می کند متفق القولند.

در دنیای نئو کلاسیک، مبادله میان خریداران و فروشندگان، بدون ارجاع به موافقتنامه های نهادی ای که در طول زمان بسط یافته اند صورت می پذیرد. بازارها به طور خودکار به وجود می آیند. بنابراین به زعم نورث مکتب نئو کلاسیک فاقد توانایی ایجاد یک تئوری در مورد نهادهاست و درست به همین ترتیب در تدارک تئوری های مناسبی برای رشد که در آنها ذخیره دانش^۲ و تغییرات جمعیتی لحاظ شده باشد نیز ناتوان است. هاجسون نیز مشابه این انتقادات را دارد و انتقاداتش معطوف به فروض نئو کلاسیکی در مورد متدولوژی فردگرایی است که شامل امتناع از به کارگیری^۳ نیروهای نهادی و سایر نیروهایی است که در مدل سازی ترجیحات و انتظارات فردی تأثیر می گذارند.^۴

به عقیده هاجسون این حقیقت که نهادها نوعاً در دوره های بلند مدت تا درجه ای ثابت و بدون تغییرند و بیش از افراد عمر می کنند دلیلی است برای انتخاب نهادها نسبت به افراد به عنوان واحد اصلی تحلیل. بیشتر نهادها - موقتاً - بر افراد ذی ربط با آنها اولویت دارند. به نظر هاجسون ما همگی در جهان نهادها متولد و در چارچوب آنها، اجتماعی می شویم. باشناسایی این نکته، نهادگرایان به ویژگی های خاص نهادها و ویژه توجه کرده اند و نه به

۴. محمود متوسلی، توسعه اقتصادی، چ دوم، (تهران، نشر سمت، ۱۳۸۴)، ص ۱۴۰.

^۲ Stock of knowledge

^۳ Examine

^۴ Vandenberg, Paul, "North's Institutionalism and Problem of Combining Theoretical approaches". Department of Economic School of Oriental and African Studies University of London. (SOAS), March (1999), pp:12.

ساخت الگوی عمومی و تاریخی از انسان^۱: البته طرفداران^۲ مکتب تاریخی آلمان وانجمن اقتصاددانان، تئوری اقتصادی رایج را به دلیل دارا بودن سطح بالای انتزاع، مورد انتقاد قرار داده‌اند. به عنوان مثال اشمولر^۳ معتقد است که اقتصاد قدیم (کلاسیک) در تحلیل قیمت‌ها و پدیده انتشار^۴ غرق شده است و این مشابه تلاش برای ایجاد یک فیزیولوژی اقتصادی از مایعات بدن است بی‌آنکه آناتومی آن را بشناسیم. براساس همین طرز فکر اشمولر بر ضرورت وجود تحلیل‌های نهادی تأکید دارد.^۵

تعیین این که نهادها دقیقاً چه هستند، تفاوت آنها با سازمان‌ها در چیست و چگونه بر هزینه‌های مبادله و تولید تأثیر می‌گذارند از عمده‌ترین مباحث این قسمت می‌باشند.

وجود هرگونه گونی انواع نهادها سبب می‌شود که ارایه تعریفی روشن و دقیق از آنها (و بدین ترتیب دارای ارزش تحلیلی) که در عین حال جامع هم باشد (کار) مشکلی به نظر آید.^۶

اما بسیاری از نهادگرایان بنا به ضرورت تحلیل، تعاریفی را برای نهاد ارایه داده‌اند. ما این تعاریف و تحلیل‌های مرتبط با نهاد را از آن جهت در این قسمت بسط می‌دهیم که معتقدیم واحد تحلیل هزینه مبادله نهادها هستند.

ویلن (۱۹۸۹)، نهادها را عادات تثبیت شده‌ای^۷ می‌داند که در عمده انسان‌ها مشترک است. این تعریف بخشی از ایده وسیعتری از طبیعت انسانی است که مشتمل بر گزینه اصلی^۸ ای است که متضمن رفتار هدفمند^۱ است.^۲ اشمولر

^۱. Hodgson, Geoffrey M. "The Approach of Institutional Economics".

Journal of Economic Literature. Vol xxxvi, (March 1998), pp:170.

^۲. Represenatitives

^۳. Schmoller.

^۴. Phonomena circulation

^۵. Richter, Rudolf." Bridging old and New institutional Economics:

G.Schmoller.JITE, vol: 152.No.4,(1996).pp:573.

^۶. Vandenberg, Paul, "North's Institutionalism and Problem of Combining Theoretical approaches". Op.cit.pp:6.

^۷. Settled Habits

^۸. Basic Instinet

(۱۹۰۰) نهاد را نظامی شکل گرفته برای زندگی اجتماعی تعریف می کند که جهت انجام امور معینی ایجاد شده و ظرفیت ایجاد توسعه بیشتر را دارد.^۳

هامیلتون (۱۹۳۲) نهاد را به عنوان یک شیوه تفکر یا کنش رواج یافته^۴ و پایدار^۵ که در عادات یک گروه یا سنت‌های مردم متبلور می‌شود، تعریف می‌کند. در واقع او تعریف اولیه و بلن از نهاد را تکمیل می‌کند.^۶

ویلیامسون (۱۹۸۵) نهادها را مکانیزم‌هایی تریف می‌کند که به مبادلات جهت^۷ می‌بخشد و مبادله هنگامی صورت می‌گیرد که کالا یا خدمتی به واسطه فصل مشترک تفکیک پذیر تکنولوژیکی^۸ دستخوش دگرگونی شود.^۹

شوتر (۱۹۸۱) بیان میدارد که نهاد اجتماعی ترتیبی است در رفتار اجتماعی که برای همه اعضای جامعه پذیرفته شده است و در شرایط تکرار شونده (دایمی) تعریف می‌کند، و یا خود پاسدار^{۱۰} است و یا به وسیله قدرت‌های بیرونی پاسداری می‌شود. او تأکید میکند که نهادها ویژگی‌های {چگونگی} تعادل بازی‌ها هستند و نه ویژگی

^۱ Purposeful Action

^۲ براساس این تعریف از ویلن می‌توان بحث عقلانیت را گسترده‌تر کرد. زمانی که هدفمندی، متضمن عقلانیت نباشد، عقلانیت یا شعور جهت رسیدن به غایتی هدفمند به خدمت گرفته میشود. با به کارگیری این‌ها، ویلن خبر می‌دهد از این که افراد در (محدوده) عادات فرهنگی (culture of habits) و الگوی فکری تثبیت شده (stablish pattern of thoutht) که به طور غریزی در هر عمل هدفمند دخیل هستند رفتار می‌کنند و این گونه است که اعمال به همان اندازه شعور هدایتگر هستند. زمانی که بعد هدفمندی تئوری او کمتر از آنچه که باید، مورد درک قرار می‌گیرد، به نظر می‌رسد که رفتارهای عادات وار بر اعمال هدفمند که مبتنی بر عقلانیت غیر غریزه‌ای می‌باشند از اولویت برخوردار می‌شوند. این تأکیدات تمایزی انتقادی را میان تئوری OIE/AIE و تئوری نئوکلاسیکی به وجود می‌آورد. [Vandenberg,P:17]

^۳ Richter, Rudolf.”,op.cit .pp:576

^۴ Prevalance

^۵ Permanence

^۶ Hodgson, Geoffrey M.” The Approach of Institutional Economics”,
Journal of Economic Literature. Vol xxxvi , March (1998), pp:179.

^۷ Govern

^۸ Technologically seperable interface

^۹ Vandenberg, Paul,op.cit. pp:7.

^{۱۰} Segf - Policed